

حکم اعدام برخی اغتشاشگران محارب، برخی مدعیان فلسفه اخلاق را به تکاپو انداخت تا به نفی خشونت توصیه کنند و شخص مدعی فقاقت را بر آن داشت عنوان محارب را از جانبین بزاید و شخص مدعی علم حقوق نیز همین ادعا را تکرار کرد اما باید از اینها پرسید این چه فلسفه اخلاق و علم فقه و علم حقوقی است که فقط در دفاع از اغتشاشگران ضد انقلاب و فحاشان بی اخلاق و فاسقان ضد مذهب کارایی دارد؟



پاسخ به برخی شبهات و مغالطات درباره صدور حکم اعدام آشوبگر معدوم

ارعاب عمومی و محاربه

آیت‌الله وحید خراسانی و بسیاری از شاگردان ایشان هم همین فتوا را دارند. آیت‌الله بهجت: اگر محاربت نمود و عملی دیگر -قتل یا اخذ مال- انجام نداد، نفی بلد می‌شود و در صورتی که مجروح کرده باشد، قصاص جراحی تا دیه آن، افزوده می‌شود. (جامع‌المسائل/ ج ۵، ص ۳۲۹)

همان گونه که از توضیح پرونده معلوم شد، جرم مجرم تنها ارعاب نبوده، بلکه حمله به قصد کشتن مأمور بسیجی و بر هم زدن نظم عمومی است و عبارت آقای خوبی و شاگردان ایشان و مرحوم آقای بهجت شامل این فرض نمی‌شود. برای توضیح بیشتر عرض می‌شود اگر قرار بود برای این مجرم حکم اعدام جهت قتل نفس ثابت شود، این اعتراض درست بود که او آدمی را نکشته است اما جرم او که آدم کشی نیست که گفته شود عنصر مادی جرم محقق نشده، بلکه جرم او محاربه است که ثابت شده است.

و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، به حسب درجه ۶ محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه، مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.

واضح است که آقای شکاری از شمول این قانون خارج است، زیرا اقدام او موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه شده است، الا اینکه این استاد حقوق بسنن خیابان و تهدید مردم را بر هم زدن نظم نداند که البته اگر او در این روزها خیلی عجیب‌تر از این مطلب را هم بگوید دیگر تعجب ندارد! چون به نظر، او خود می‌داند که مطالبش صحیح نیست و بیشتر جاهل می‌کند و توثیقاتی از او از ابتدای اغتشاشات دال بر این مطلب است که برخلاف ظاهر علمی سخنانش، تمام حرف‌هایش عامل غیر معرفتی دارد که خدا بهتر داند و البته شاید خودش هم ملتفت باشد.

نفی می‌شود؟ آیا مردم در صحنه ترسیده‌اند یا نه؟ قطعاً ترسیده‌اند. مسلم است که مراد قانون‌گذار این نیست که در صحنه جرم همه مردم باید ترسند، بلکه اگر بخشی از مردم هم ترسیده باشند، به نحوی که موجب ناامنی شود، برای تحقق عنوان محارب کافی است.

خب! سوال می‌پرسیم: آیا بالاخره بخشی از مردم که در صحنه بودند ترسیده‌اند؟ آیا ایجاد ناامنی نشده است؟ اینکه او قصد تشجیع مردم را داشته، جدا از اینکه این فرض، فرض خیالی این استاد حقوق است و در هیچ کجای پرونده این مطلب نیامده، چه چیزی را عوض می‌کند؟ چون او می‌خواسته مردم را تشجیع کند، دیگر مردمی که صحنه قندهار کشی او را ببینند نمی‌ترسند و احساس ناامنی نمی‌کنند؟! اما برسییم به عجیب‌ترین مطلبی که از این استاد حقوق شنیده شده و آن عدم تطبیق عنوان مردم بر نیروهای امنیتی و بسیج بود! از خدا که پنهان نیست از شما چه پنهان، من وقتی این مطلب را شنیدم یاد سازمان مجاهدین خلق افتادم. آنها مردم حزب‌اللهی کوچک و خیابان را ترور می‌کردند و می‌گفتند اینها مردم نیستند و سرانگشتان نظام هستند که باید قطع شوند تا مردم آزاد شوند! این استاد حقوق هم با زبان شبه‌علمی همین حرف وحشیانه و خطرناک را زده است. برای من خیلی عجیب است که چگونه می‌شود یک نفر چنین چیزی را بگوید؟! نهایت دفاع این استاد آن است که نه مرادش این است که مجرم مشمول ذیل ماده است محاربه کند، اما این مأمور بسیجی که در صحنه جرم مورد حمله قرار گرفته با مجرم خصومت شخصی داشته که او با انگیزه شخصی به او حمله‌ور شده یا اینکه مأمور بسیج آمده است مانع از اغتشاش و ارعاب شخص شود و او ضربات بی در پی قلمه را به او حواله داده است؟ اگر این محاربه نیست، پس چیست؟

کسی را هم ندارد و مثلاً می‌خواهد با این کار اموال آنها را بردارد، باز هم او محارب است و حکم محارب بر او جاری خواهد شد. پس اگر ثابت شود فردی (در اینجا آقای شکاری) قصد جان مردم را داشته یا قصد ارعاب داشته و مردم در صحنه ترسیده‌اند، برای حکم کردن به اینکه او محارب است، کافی است.

در پرونده آقای شکاری و همچنان شهادت شهود و شکایت شاکای که یک فرد بسیجی است که با حمله شخص، مجروح شده، آمده است:

اقرار متهم: «بعد از اتمام کارمان به همراه علی (همدست خود) از محله نارمک ابتدا به میدان ولیعصر (عج) آمدیم و از آنجا که این محل شلوغ نبود، به محله ستارخان آمده و در تقاطع خیابان پهلوئی راه را بر مردم بستیم.» «علی به من گفت برویم در تجمعات شرکت کنیم. با موتور علی رفتیم و او به من هم از قبل یک قبضه قمه داد تا ماموران را با آن بزنم. علی گفت اگر ماموری را بزنی پول خوبی می‌دهم و با این وعده آمدیم و در اغتشاشات شرکت کردیم.»

حسین زمانیان: بعد از صدور رأی دادگاه مبنی بر محارب بودن «محسن شکاری» و تأیید آن از سوی دیوان عالی کشور و سپس اجرای حکم، چند روز است چند نفر از دانشگاهیان و برخی افرادی که لباس روحانیت نیز به تن کرده‌اند، زبان به انتقاد گشوده و این حکم را هم از نظر فقهی و هم از نظر قانونی مخدوش دانسته و آن را ظلم دستگاه قضا تلقی کرده‌اند. یکی اشکال به اصل شمول موضوع محارب برای فرد فوق‌الذکر گرفته و دیگری در حکم تشکیک کرده است.

اولی گفته شکاری محارب نبوده، زیرا قصدش ترساندن مردم نبوده و بلکه برعکس قصدش تشجیع الناس بوده و نهایت قصد ترساندن نیروی انتظامی و بسیج را داشته است که آنها اشخاص خاص و معینی هستند، لذا نه قانوناً و نه شرعاً مشمول عنوان محارب نخواهد بود و سپس در متنی دیگر مدعی شده مجرم تنها مشمول ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی بوده.

کلام امام در تحریر

الأقوی فی الحدّ تخییر الحاکم بین القتل و الصلّب و القطع مخالفاً و النفی و لایبعد أن یکون الأوّلی له أن یلاحظ الجنایه و یختار ما یناسبها، فلو قتل اختار القتل و الصلّب، ولو أخذ المال اختار القلع، ولو شهّر السیف و أخّص فقتل اختار النفی و قد اضطربت کلمات الفقهاء و الروایات و الأوّلی ما ذکرنا.

اما ایشان به اشتباه به فرمایش امام استناد کرده است، زیرا قانون‌گذار در این مسأله همان نظر امام در تحریر را اختیار کرده است. امام تصریح می‌کند قاضی و حاکم از بین ۴ حکم ذکر شده در آیه محاربه مخیر است هر کدام را انتخاب کند اما نهایت آن است که باید تناسب بین جرم و مجازات را رعایت کند، اگر چه به جهاتی که در مسأله اشاره می‌کنند، فتوا همان است که قاضی جامع‌الشرایط هر حکمی را که می‌بیند، اختیار کند ولو اینکه از نظر برخی تناسب بین جرم و مجازات هم رعایت نشده باشد. خب! قاضی بین این احکام چهارگانه، اعدام را انتخاب کرده و طبق قانون فقیهه حاکم که او مسلمانا قاضی جامع‌الشرایط است نیز آن را تأیید کرده، پس اشکال در کیاست؟

اشکال در این است که برخی نذر کرده‌اند تنها علیه نظام اسلامی قلم‌فرسایی کنند. نذر کرده‌اند وقتی عجمیان و علی‌وردی سلاخی می‌شوند خفه‌خون بگیرند، خدا آنها را یا مشوقان آیه اغتشاشات که علم مقابله علنی با دین و مظاهر دینی را بلند کرده‌اند محسور کند که المرء مع من احب.

اما اشکال دوم که آن شخص عمامه به سر گفته بود، در تطبیق حکم اعدام بر مجرم است. پاسخ این اشکال به این نحو است که طبق قانون اینکه حکم او چیست، به اختیار قاضی است، جدا از بحث اینکه فتوای معیار در قانون‌گذاری کدام فتواست. و اینکه بالاخره یک فتوا باید معیار اجرا شود و الا در مواردی که اختلاف فتواست، هر کسی بخواهد ادعا کند که فتوای او یا مرجعش معیار است، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود اما مسلم آن است که در مسائل جزایی و عمومی فتوای معیار فتوای فقیه حاکم است و فقیه حاکم نیز طبق قانون اساسی مشی کرده و این قانون را معتبر می‌داند.

قانون‌گذار در ۲ ماده ۲۸۲ و ۲۸۳ می‌گوید: «حد محاربه یکی از ۴ مجازات زیر است:

الف- اعدام
 ب- قطع دست راست و پای چپ
 ت- نفی بلد»

«انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده (۲۸۲) به اختیار قاضی است.»

اما کلماتی که از آقایان فقها ذکر کرده است نیز هیچ ارتباطی با این پرونده ندارد. او فتاوی بزرگان را به این شرح ذکر کرده است:

آیت‌الله خوبی: اگر با اسلحه کشیدن فقط موجب ترس مردم شده باشد، نفی بلد می‌شود و اگر آسیبی به کسی رسانده باشد، ابتدا در حد همان جراحات قصاص و سپس تبعید می‌شود. (تکمله المنهاج/ص ۵۱)

در محل تعداد زیادی خودرو بالغ بر ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ ماشین در ترافیک مانده بودند که کمی جلوتر رفتیم و دیدیم ۲ نفر درشت‌هیکل با حضور در تقاطع پهلوئی اقدام به بستن خیابان کرده و یکی از آنها قمه در دست داشت و مردم را تهدید به همکاری و شعار دادن می‌کرد. از موتور پیاده شدم و به سمت متهم رفتم. به وی گفتم داری چکار می‌کنی؟ که به من حمله کرد و قصد داشت ضرباتی را بزند، یک بار با قمه زد که نگرفت، بار دوم ضربه متهم به کتف من برخورد کرد. مردم خیلی ترسیده بودند. الحق و انصاف آیا مجرم، محارب نیست؟! او مردم را با سلاح ارعاب نکرده است؟! او به قصد جان مردم سلاح نکشیده است؟! اما بایبید فرض کنیم چنانکه این استاد حقوق می‌گوید، مجرم قصد ترساندن مردم را نداشته و بلکه می‌خواسته مردم را تشجیع کند، با این فرض چه چیزی ثابت یا

شهادت شاهد: «مردم خیلی ترسیده بودند. حدود ۱۵۰ ماشین در ترافیک گیر کرده بودند، هیچ ماشینی رد نمی‌شد. متهم در خیابان ایستاده بود و در حالی که قمه در دستش بود، اجازه عبور از آن محل را به کسی نمی‌داد.» شکایت شاکای: «روز سوم همراه بود و طبق مأموریتی که به ما ابلاغ شده بود، برای گشت‌زنی در محدوده راهی محل شدیم. ساعت ۲۰:۱۰ دقیقه بود که وارد محدوده خیابان پهلوئی در محله ستارخان شدیم. در زمان حضور در محل تعداد زیادی خودرو بالغ بر ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ ماشین در ترافیک مانده بودند که کمی جلوتر رفتیم و دیدیم ۲ نفر درشت‌هیکل با حضور در تقاطع پهلوئی اقدام به بستن خیابان کرده و یکی از آنها قمه در دست داشت و مردم را تهدید به همکاری و شعار دادن می‌کرد. از موتور پیاده شدم و به سمت متهم رفتم. به وی گفتم داری چکار می‌کنی؟ که به من حمله کرد و قصد داشت ضرباتی را بزند، یک بار با قمه زد که نگرفت، بار دوم ضربه متهم به کتف من برخورد کرد. مردم خیلی ترسیده بودند. الحق و انصاف آیا مجرم، محارب نیست؟! او مردم را با سلاح ارعاب نکرده است؟! او به قصد جان مردم سلاح نکشیده است؟! اما بایبید فرض کنیم چنانکه این استاد حقوق می‌گوید، مجرم قصد ترساندن مردم را نداشته و بلکه می‌خواسته مردم را تشجیع کند، با این فرض چه چیزی ثابت یا

ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی به این نحو است: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارعاب آنهاست، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هر گاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود.»

همان گونه که روشن است، اگر شخصی با کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم به سمت آنها حمله کند و این حمله موجب ناامنی مردم نشود، او محارب است. ولو اینکه اصلاً قصد ترساندن کسی را هم نداشته باشد.

موضوع دیگر این حکم آن است که او بخواهد با کشیدن سلاح فقط مردم را بترساند و حتی قصد کشتن

توضیح حجت الاسلام خسرو پناه درباره حکم محاربه اغتشاشگران

قرآن و تفاسیر محقق حلی، شیخ طوسی و ابن ادریس چه می‌گویند

فاسقان ضد مذهب کارایی دارد؟ آنگاه که جوانان و دانشمندان این سرز و بوم توسط کومه و تجزیه‌طلبان و منافقان و داعشیان قطعه قطعه می‌شدند، اخلاق و فقه و حقوق این مدعیان کجا بود؟ خسرو پناه در ادامه با اشاره به برخی روایات عنوان کرد: وقتی محقق حلی در شرائع الاسلام به صراحت می‌نویسد: المحارب کل من جرد السلاح لإخافه الناس فی بر او بحر لیلا کان او نهارا فی مصر... و شیخ طوسی در خلاف می‌فرماید: المحارب الذی ذکرالله تعالی فی آیه المحاربه هم قطاع الطرق الذین یشهرون السلاح و یخیفون السبیل، و ابن ادریس در السرائر می‌فرماید: المحارب کل من شهّر السلاح لإخافه الناس فی بر کان او فی بحر فی العمران و الامصار او فی البرابری و الصحاری؛ همچنین وقتی آیه شریفه با ظهور قریب به نص بر حکم شرعی محارب دلالت دارد، آنگونه که در ترجمه تفسیری آن بیان شد؛ حال چگونه این طایفه مدعی اخلاق و فقه و حقوق، قمه‌کشان معرکه‌گیر فحاش قطاع‌الطریق را محارب نمی‌دانند و به واسطه مخالفت با حکم شرعی اعدام، خوراک رسانه اجانب را تأمین می‌کنند. وی در پایان تأکید کرد: خداوند اهل علم را از تحمیل سیاست‌زدگی بر اخلاق و فقه و حقوق نجات دهد و عاقبت همه ما را ختم به خیر کند.

گروه سیاسی: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، استاد حوزه و دانشگاه در محکومیت کسانی که نسبت به حکم اعدام برخی اغتشاشگران اعتراض کرده‌اند، بیانیهای صادر کرد.

حجت‌الاسلام خسروپناه در واکنش به حواشی پیش آمده درباره حکم اعدام و محاربه برخی اغتشاشگران به آیه ۳۳ سوره مائده اشاره کرد و توضیح داد: محاربه یعنی کسی که با سلاح کتشیده بود و هم ماشین‌ها را تخریب می‌کرد و می‌زد و این حتماً مصداق محارب و مفسد فی الارض است و باید اعدام شود.

وی خاطرنشان کرد: در این زمینه از رسول اکرم (ص) روایتی در باب تحریم قتل در وسائل الشیعه ذکر شده است که کسی که اغتشاش کند یا به اغتشاشگر پناه دهد یا اگر اغتشاش او منجر به قتل شود، پیامبر و فرستگان او را لعنت می‌کنند.

عضو هیات‌رئیس مجلس خبرگان رهبری بیان کرد: این اغتشاشگرانی که داعشی‌صفت به جان مردم افتادند و رعب و وحشت ایجاد کردند و با قساوت و خشونت تمام، مردم مظلوم را می‌کشند و بی‌رحمانه با آنها برخورد می‌کنند قطعاً مستحق اعدام هستند و مصداق هم محارب و هم مفسد فی الارض هستند و نظام اسلامی باید مقتدرانه با این محاربان و مفسدان برخورد کند و امنیت و آرامش را به جامعه بازگرداند.

آیت‌الله عباس کعبی، عضو هیات‌رئیس مجلس خبرگان رهبری:

مصدق «خافه» و مفسد فی الارض باید اعدام شود

گروه سیاسی: آیت‌الله عباس کعبی، عضو هیات‌رئیس مجلس خبرگان رهبری با اشاره به حکم اعدام محسن شکاری از آشوبگران و اغتشاشگران حوادث اخیر تهران اظهار کرد: اغتشاشات خشونت‌آمیز اخیر که توأم با خشونت و تخریب اموال عمومی و اموال شخصی مردم بود و رعب و وحشت ایجاد کرده است، قطعاً مصداق محاربه و فساد فی الارض است. وی افزود: حضرت امام راحل(ره) در «تحریر الوسیله» فصل ششم در حد محارب می‌فرماید: «هو کل من جرد سلاحه او جیزه لإخافه الناس وإراده لإفساد فی الارض؛ فی بر کان او فی بحر، او فی مصر او غیره، لیلاً او نهاراً و لا یشرط کونه من اهل الریبه مع تحقق ما ذکر، ویستوی فیه الذکر والانیث، و فی ثبوتہ للمجرّد سلاحه بالقدّم المزبور مع کونه ضعیفاً لا یتحقق من إخافته خوف لأحد، إشکال بل منعی، لو کان ضعیفاً لکن لا یحدّ لا یتحقق الخوف من إخافته...» یعنی محارب کسی است که سلاحش را بکشد یا صرفاً به خاطر ایجاد رعب و وحشت در میان مردم آماده کند و اراده افساد در زمین است. این اراده افساد در زمین توضیحی برای رعب و وحشت و کشتن سلاح است.

عضو هیات‌رئیس مجلس خبرگان رهبری خاطرنشان کرد: بنابراین هر کسی سلاح گرم و سرد خود را بکشد و رعب و وحشت ایجاد کند و

تخریب اموال خصوصی و عمومی می‌کند، حتی اگر آدم نکشته باشد، این محارب و مفسد فی الارض شناخته می‌شود.

آیت‌الله کعبی ادامه داد: در واقع باید صدق خافه کند، صدق خافه یعنی قدرت‌نمایی کند. آن کسی که اعدام شد، هم قدرت‌نمایی کرده است، هم سب راه مردم بیگانه شده بود و هم اسلحه کشیده بود و هم ماشین‌ها را تخریب می‌کرد و می‌زد و این حتماً مصداق محارب و مفسد فی الارض است و باید اعدام شود.

وی خاطرنشان کرد: در این زمینه از رسول اکرم (ص) روایتی در باب تحریم قتل در وسائل الشیعه ذکر شده است که کسی که اغتشاش کند یا به اغتشاشگر پناه دهد یا اگر اغتشاش او منجر به قتل شود، پیامبر و فرستگان او را لعنت می‌کنند.

عضو هیات‌رئیس مجلس خبرگان رهبری بیان کرد: این اغتشاشگرانی که داعشی‌صفت به جان مردم افتادند و رعب و وحشت ایجاد کردند و با قساوت و خشونت تمام، مردم مظلوم را می‌کشند و بی‌رحمانه با آنها برخورد می‌کنند قطعاً مستحق اعدام هستند و مصداق هم محارب و هم مفسد فی الارض هستند و نظام اسلامی باید مقتدرانه با این محاربان و مفسدان برخورد کند و امنیت و آرامش را به جامعه بازگرداند.